هو اللّه - ای احبّای با وفای جمال قديم چون شمس حقيقت…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٥٤١

### هو اللّه

ای احبّای با وفای جمال قديم چون شمس حقيقت از افق مبين افول فرمود و به افق اعلی صعود ميثاق خويش را سراج منير فرمود و عهد خود را چون مصباح در مشکات امکان به نور بی‌ پايان روشن نمود تا کلّ به اين پرتو تجلّی که مه تابان اکوان و کيهانست در مقام استفاضه فيوضات غيرمتناهيه برآيند و مظاهر تأييدات غيب احديّه گردند و نصرت جنوداً لم‌ تروها مشاهده نمايند و قوّت جيوش ملأ اعلی ملاحظه کنند. ولی افسوس که مدّعيان محبّت چنين ميثاقی را که در ظلّ شجره انيسا گرفته شده فراموش نمودند و چنين فيض موفوری را انکار کردند. از ظلّ ممدود گريختند و فوراً به ظلّ يحموم پناه بردند. از معين عذب فرات گذشتند و بر غدير ملح اجاج وارد شدند. شمس حقيقت را بکلّی مقطوع الفيض انگاشتند و ظلمات بعضها فوق بعض را مقتدای خويش دانستند. قد خسئوا و خسروا و يئسوا من روح اللّه الا انّهم فی خسران مبين. الحمد للّه ارض خا از اين روائح کريهه بغضا منزّه و مبرّاست و هذا من فضل يختصّ اللّه به من يشآء و اللّه ذو فضل عظيم. احبّای ارض خا بايد در هر دمی صد هزار شکرانه نمايند که آن ارض منزّه و مقدّس از اين اوساخست. ع ع